

# در کوچه‌های پرسروصدای پاریس

حواد لگزریان



مشهود است. هرگونه بازسازی چیزها مستلزم آرایش مجدد روابط اجتماعی است: ما در ساختن و بازسازی شهر، خود را به شکل انفرادی و جمعی می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم. تفسیر شهر به‌مانند موجودی مُدرک، اذعان به پتانسیل آن به‌سان تن‌واره سیاسی است.

بالژاک بیشترین ستایش را از جانب هاروی دریافت می‌کند چراکه او در



**پاریس پایتخت مدرنیته**  
دیوید هاروی

**ترجمه: عارف اقوامی مقدم**

**ناشر: پژواک**

**قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان**

دیوید هاروی در کتاب «پاریس پایتخت مدرنیته» با بررسی دقیق ادبیات، هنر، فضای شهری، سازمان صنعتی، سیاست و شیوه زندگی در پاریس در برهه حساس ۱۸۳۰ تا ۱۸۷۱ رویدادهایی که پاریس را از شهری با زیرساخت‌های شهری قرون وسطایی به دوره مدرن پرتاب کرد زیرنظر می‌گیرد تا تاریخ ردمی را روایت کند که در بلوارها و سنگرها هرکدام به شیوه خود برای شکل دادن و مهار شرایط اجتماعی و هستی جغرافیایی و تاریخی خود تلاش می‌کردند.

جزء-به‌جزء رمان‌های بالژاک و زولا، شعر بودلر و نقاشی‌های دومیه تا نظریه‌پردازی‌های سن سیمون و کارل مارکس در روایت هاروی مطالعه می‌شوند تا هر یک در خدمت ایجاد تصویر او از پایتختی به کار روند که در معرض سیل تحولات چشمگیری قرار دارد.

هاروی در کوچه‌های پرسروصدای پاریس آن روزها به راه می‌افتد و قیمت‌های بالای اجاره‌خانه، مهاجرت بی‌رویه به پایتخت و زنان رهاشده و بیکاری را مشاهده می‌کند که دیگر مناسبات سابق را برنمی‌تابند. او هوشمندانه افراد جدیدی را می‌بیند که از درام شهری نویی در پاریس حکایت دارند که با سلاز و آواز سالن‌های اشرافی، یکسر متفاوت است: روسپی، آشغال‌گردن، دلقک فقیر و از کار افتاده، مردان ژنده‌پوش، زنان زیبای مرموز و گرسنگانی که به دنبال موش برای ارتزاق‌اند، شخصیت‌های این درام نوی پاریسی‌اند.

پاریس بیمار و غرق در معضلات و زیرفشار تنباهی و فساد و جنایت و ویا، فرصت‌های طلایی برای بلندپروازی‌های شخصی هم در خود داشت؛ بلندپروازی افرادی نظیر هوسمن، شهرداری که به رغم آگاهی از خامت اقتصاد کلاشهر توجه دقیقی به طراحی میلمان خیابان‌ها داشت.

لفاظی‌های بورژوازی جمهوریخواه و استبداد دولتی امپراتور ناپارت هیچ‌کدام نمی‌توانست بر این بی‌سامانی فایق آید. قدرت فزاینده کالایی که در ویرتین آرمیده بود عقلانیت فراگیر بازار را به رخ می‌کشید و شکاف‌های آشتی‌ناپذیر اجتماعی خبر از وقایعی خشن‌وتبار در خیابان‌های پاریس می‌داد؛ خیابان‌هایی که بالژاک به‌خوبی از پس توصیفشان برآمده است. از نگاه هاروی توصیفات بالژاک شرح دقیق و عینی از این خیابان‌هاست. خیابان‌ها، محلات، آپارتمان‌ها، پله‌ها و درها، همگی بر معنای اجتماعی دلالت دارند و بالژاک برای برجسته‌کردن این واقعیت به خیابان‌هایش شخصیت انسانی می‌دهد. اندرون، نیروهای اجتماعی گسترده را درونی ساخته و منعکس می‌کند. انسان‌ها، هرج‌ومرج، هجوم دیگران، تعاملات متعدد اجتماعی و تقابل‌های اتفاقی را چونان چیزی خارج از خود تجربه می‌کنند که باید کنش‌ها و ذهنیت‌هایشان (برای مثال تمهید نگرتی حاکمی از زندگی) را با آنها تطبیق دهند. روابط مادی میان افراد، به‌مانند شیوه‌های بی‌شماری که روابط اجتماعی ذیل آنها در چیزها تجسم می‌یابند، در همه‌جا

تجربه‌هایی که در متن زندگی روزانه در تقابلی مستقیم با تجربه‌های اخلاقی شکل می‌گیرند، غالباً از طریق مصداق‌هایی با مضمون نزاع‌های اخلاقی روزمره آشکار می‌شوند که با ضرورت تبیین پدیده‌های اخلاقی پیوند می‌خورند چراکه تجربه‌های اخلاقی سهمی اثرگذار و معنابخش در زندگی ما دارند. چنین وضعیتی بسیاری فیلسوفان اخلاق را بر آن داشت تا گزاره‌ای برخطر را به جان بخرند و مدعی شوند زندگی بدون تجربه‌های اخلاقی حتی ارزش زیستن هم ندارد. به این اعتبار می‌توان بررسی چستی و چگونگی به‌بار نشستن تجربیات اخلاقی و همچنین تبیین ساختار و مؤلفه‌های پدیدارهای اخلاقی را تحت‌عنوان «پدیدارشناسی اخلاق» شناخت.

کتاب «پدیدارشناسی تجربه اخلاقی» نوشته «موریس ماندلیاوم» در توصیف و تبیین همین پدیده‌های اخلاقی و واکاوی و مشخص کردن راه‌برون‌رفت از تقابل‌های اخلاقی است. نویسنده در این کتاب به مباحثی معرفی و شرح انواع موقعیت اخلاقی و همچنین از طریق بررسی احکام اخلاقی که به روش تحلیلی صورت‌بندی کرده است، کوشیده تا تمام موقعیت‌های اخلاقی و نقش عامل ناظر اخلاقی را در زمینه مزبور دنبال کند. در واقع رویکرد این کتاب نه مبتنی بر رویکردی تطور‌خواه و البته انقلابی است و نه آنچنان عمیق که موجب سردرگمی خواننده شود. بلکه رویکردی است مبتنی بر دیدگاهی تحلیلی و پرداختن به موضوعاتی که در حوزه فلسفه اخلاق تاحدودی مبهم مانده بود. این کتاب در شش فصل تنظیم شده است که نویسنده در فصل اول کتاب بر انکار دوگانه‌نگاری مرسوم میان دو رویکرد هنجاری (normative) و توصیفی (descriptive) تأکید می‌کند و به معرفی چهار رهیافت متافیزیکی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و پدیدارشناختی در اخلاقی می‌پردازد. آنچه برای «ماندلیاوم» در حوزه اخلاقی اهمیت دارد، اولویت رویکرد پدیدارشناختی بر سه رهیافت دیگر است که به

## کتاب اندیشه

تازه‌های کویر

**از انسان‌شناسی اخلاق تا سازمان‌های پولی و مالی**

انتشارات «کویر» به‌فازگی سعتوان

کتاب جدید منتشر کرده است.

«انسان‌شناسی اخلاق» نوشته حمید

ابوطالبی نخستین جلد از مجموعه

«فلسفه اخلاق اجتماعی» است که

نویسنده در آن به مفاهیم، اسطوره‌ها،

فلسفه‌ها، اندیشه‌ها و اموری تاریخی

– اجتماعی می‌پردازد که بر اخلاق اقوام

و جامع بر مبانی نوع هستی‌شناسی،

دین‌سالوری، اندیشیدن‌های فلسفی

و… آنان تأثیر گذاشته است. کتاب به

بحث «پدیداری اخلاق» از منظر

انسان‌شناسانه اختصاص دارد و درصدد

پاسخگویی به این سوال است که اخلاق

چرا و چگونه برای بشر حاصل شد و در

حوزه انسانی تصور و تحول یافت؟ برای

ایمن‌کار نویسنده در چهار بخش، به

تفصیل نسبت اقوام ابتدایی و اخلاق،

مبانی اندیشه و اخلاق آریایی، مبانی

اندیشه و اخلاق یونانی و مبانی اندیشه

و اخلاق عربی را می‌کود و شرح کلمی

از هر یک از این فرهنگ‌ها در نسبت با

نظریه اخلاقی پیش می‌نهد.



**انسان‌شناسی اخلاق**

**حمیدابوطالبی**

**ناشر: کویر**

**نوبت چاپ: ۱۳۹۲**

**قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان**

دو کتاب دیگر در حوزه اقتصاد به

سازمان‌های پولی و مالی اختصاص

دارد و کتاب منبع دانشگاهی محسوب

می‌شود. یکی به توضیح و نحوه پیدایش

این‌گونه سازمان‌ها می‌پردازد و اقسام آن را

برمی‌شمرد: بازار پول (بانک و بانکداری)،

بازارهای مالی، بورس و اوراق بهادار، بازار

تامین آتیه و… دیگری سازمان‌های پولی

بین‌المللی همچون بانک جهانی، صندوق

بین‌المللی پول، بانک مرکزی آمریکا، اروپا،

ژاپن، بورس‌های اوراق بهادار اروپایی و

آمریکایی و نهادهای زیرمجموعه آنها را

بررسی می‌کند. در این کتاب سعی شده

مهم‌ترین و مؤثرترین سازمان‌های پولی و

مالی در عرصه بین‌الملل معرفی و با تامل

در جایگاه نقش و سهم این سازمان‌ها به

بررسی تأثیرات آنها در شکل‌گیری و تداوم

فعالیت‌های بازار بین‌المللی پرداخته شود.

این دو کتاب به قلم سعید شیرکوند،

عضو هیات علمی دانشکده مدیریت

دانشگاه تهران، با هدف آشنایی اولیه با این

سازمان‌ها نوشته شده است.

عطف کتاب

نیچه هایدگر؛ دعوت به «جشنواره یادها»

**یا مراسم جشن‌های سرور آمیز تفکر انتزاعی**

**مجتبی‌شیدآ**

این کتاب «جشن در جشن» است، یک‌سو جشنی به سبک و سیاق

هایدگر آنچنان که خود در جلد نخست کتاب در وصف فیلسوف همچون

فردترین فرد می‌گوید: «تفکر انتزاعی برای بسیاری کاری طاقت‌فرساست،

برای من، در روزهای خوش، جشن است و از خود بی‌خودی». جشن

هایدگری جشنی است در حضور تفکر انتزاعی به معنی دشوارترین و

شایسته‌ترین تفکری که از آن متفکری اصیل است. در سوی دیگر جشن

نیچه‌ای برپاست. جشن دیونوزوسی با سبک ساتیری همراه با سرافزاری،

سبک‌سوری، سرخوشی و «ریشخند هر گونه جدیت و حرمت»، نوعی

«آری گویی» به زیستن و خود زندگی با وجود شنیدن «بیشترین نه»

در ترازدی‌ها. هایدگر، خود این درسگفتارها را با وعده «جشن تفکر» آغاز

می‌کند. جشنی که در آن سرمستی و از خود بیخودی با «دریافتن» که

همان «دریافتن موجودات» است توأم می‌شود و همه این وجد و شور امر

آفرینندگی، روزهای به تمام معنی روز. برای هایدگر نیز همچون نیچه

شناخت به نوعی «آورداری» است، شرکت در «جشنواره یادها».

نیچه و هایدگر شباهت‌های بسیاری باهم دارند. چنانچه به تعبیر چثانی

واتیمو، نیچه فیلسوف زندگی و «آخرین فیلسوف متافیزیک» چندان از

«اندیشه هستی» هایدگر، «مدعی براندازی متافیزیک» دور نیست. اما

خود هایدگر این را نمی‌پذیرد و در این کتاب به نوعی «روابرویی» و مصاف

با نیچه می‌پردازد؛ روابرویی‌ای که با نوعی «سبک فاخر» به پیش می‌رود.

آنچنان سبکی که خود به نیچه نسبت می‌دهد.

برای هایدگر سبک فاخر سبکی است برای همه لحظات، سبکی

است که در آن معنای هستی همه موجودات ظهور و بروز پیدا می‌کند

یا به تعبیر نیچه‌ای سبک فاخر اراده معطوف به هستی است و آنچنان

چیزی است که در برابر «هلال» قرار می‌گیرد. سبک فاخر برای هایدگر

به نوعی مهار کننده اراده است. نیچه در جایی گفته بود من با خون

خود می‌نویسم، در واقع او می‌نوشت تا با «نوشتن هنگامی» رودررو شود.

نیچه می‌نوشت تا عادی ننویسد. آنچه نیچه با این سبک درصدد است که

به انجام برساند، نشان دادن راه خروج از نیست‌انگاری است. یعنی ابتدا

تشخیص و سپس درمان بیماری نیست‌انگاری. آن هم با دست زدن به

هنر، به مثابه امر طبیعی، امر ترسناک نوعی از خودبه‌درشن که تنها در

این سبک به بروزظهور می‌رسد و نه بااطاله نوشتن. نیچه با این سرمستی

زیباشناختی، حضور امر زیبا را به پیشواز می‌رود. هنر در مقام عملی مخالف

نیست‌انگاری. هنر به مثابه امری سرمست‌کننده بنیادین و نه گذرا؛ ولی

همچنان موضوع فیزپولوژی طبیعت، نیچه بر خلاف اسلاف ایده‌الیست

خود که «نظر به بالا دارند» (همچون افلاطون‌گرای شوبنهاور و…)، «نظر

به بیرون دارد». وظیفه دشوار هایدگر در این کتاب نوعی یوغ نهادهن بر امر

متضاد در کلیت آثار نیچه است. با حفظ همین سبک که این کتاب را از

سایر کتاب‌های کسالت‌بار و ملال‌آور در باره هنر جدا می‌کند. اهمیت این

کتاب آنچنان است که چرخش هایدگر در تفکر (Cohre) بدون توجه به

آن درست فهمیده نمی‌شود.

آنچه شما در این کتاب می‌خوانید، خودفلسفیدن است نه تاریخ فلسفه.



**نیچه (۲)**

**مارتین هایدگر**

**ترجمه: ایرج قانونی**

**ناشر: آکه**

**قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان**

نوعی تفکر خاص هایدگر با پیگیری‌ها و پرسش‌های پیاپی همیشگی اش و تکرار و پیچیدن حول یک مفهوم و توصیف دقیق آن و به یکباره بیرون کشیدن چندین مفهوم تازه خودساخته. به طور مثال آنجا که، بحث از ترازدی از منظر نیچه است، حضور «امر دهشتناک» را در «امر ترازیک» کشف می‌کند و نشان می‌دهد که چطور امر دهشتناک به «امر زیبا» گره خورده است. در راه خواندن این کتاب باید آرام و شکپیا بود، چراکه به

گفته نیچه فکرهایی که جهان را تغییر می‌دهند، همان‌هایی هستند که با

گام‌های کبوتر قدم برمی‌رانند.

صحبت بر سر «هیچه هایدگر» است، کتابی که صحنه برخورد

دو فیلسوف طراز اول در تاریخ اندیشه است و هایدگر می‌کوشد که با

ژرفکاوی‌های همیشگی اش مفاهیم خاص نیچه‌ای را از آن خود کند؛ نوعی

دریافتن تفکر نیچه با به نمایش گذاشتن و پرسیدن و درنهایت به انجام و

انجام رساندن تفکر و تفسیر خود از آنها.

در واقع هایدگر سه آموزه نیچه‌ای را مهم‌تر از بقیه تشخیص می‌دهد.

اول «اراده معطوف به قدرت» که موضوع جلد یک این کتاب است که

پیش از این توسط نشر آکه چاپ و منتشر شده است. آنچه در آن کتاب

آمده است، اراده معطوف به قدرت به مثابه هنر است.

دوم «بازگشت جلودان»، موضوع جلد دوم این کتاب که موضوع

درسگفتارهای هایدگر در ترم تابستانی ۱۹۳۷ در دانشگاه فرایبورگ با

عنوان «موضع متافیزیکی بنیادی نیچه در تفکر مغرب زمین»، بوده است.

«این دو عنوان در مجموع گویای این تر هایدگر است که اندیشه

بازگشت جلودانه‌مان، نه آموزه‌ای از آموزه‌های نیچه، بلکه موضوع

متافیزیکی بنیادی نیچه را تشکیل می‌دهد.»

درنهایت کتاب دوم، از دو بخش تشکیل شده است، بازگشت جلودان

همان ۱۹۳۷ و اراده معطوف به قدرت به‌مثابه شناخت.

جشن دوم درباره ترازدی است و اینکه «ترازدی چگونه آغاز می‌شود»؛

«در گرداگرد قهرمان همه چیز ترازدی می‌شود. در گرداگرد نیمه خدا همه

چیز نمایشی طنز (نمایش ساتیری) و در گرداگرد خداوند همه چیز چه؟

چه بسا؟ جهان «می‌شود»».

یافتن مفهوم ترازدی و اینکه ترازدی چگونه آغاز می‌شود، برای هایدگر

بسیار اهمیت دارد. قهرمان با عاشق متفاوت است. روح‌های قهرمان آن

روح‌هایی هستند که در «فساوت ترازیک»، به خویش آری می‌گویند. خود

نیچه می‌پرسد چه چیز «قهرمانی» است؟ همزمان به استقبال عالی‌ترین

رنج‌ها و بالاترین امیدهای خود رفتن. هایدگر این دو را، «امر همزمان»

می‌نامد. به تعبیر هایدگر قهرمان ترازدی کسی است که امر همزمان را

تاب بیاورد. به این شکل در نظر او، اندیشه بازگشت جلودانه‌مان، شکل

تراژیک پیدا می‌کند.

این کتاب با ترجمه ایرج قانونی، تابستان امسال توسط نشر آکه منتشر

شده است. این مترجم پیش از این ترجمه کتاب‌هایی نظیر هنر دوران

مدرن؛ فلسفه هنر از کانت تا هایدگر نوشته ژان ماری شفر، شرح انتقادی

فلسفه لایبنیتس به ضمیمه قطعات برجسته برتراند راسل، کتاب‌های

آبی و قهوه‌ای؛ تمهیدات «زوهش‌های فلسفی» لودویگ ویتگنشتاین،

ویتگنشتاین و پژوهش‌های فلسفی ماری مک گین و درباره روح (هایدگر

و این ساله) نوشته ژاک دریدا را در کارنامه خود دارد.